معرفی و نقد کتاب دوجلدی دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۸-۱۳۹۶)

همبستگی اجتماعی و نابرابری؛ آسیب‌های اجتماعی و نابرابری

ضحی معتمدی*

مقدمه

نوشتار حاضر به معرفی کتاب"دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران" می‌پردازد. آماده‌سازی این کتاب در مؤسسه غیردولتی "رحمان" انجام شده است؛ رحمان، در پاییز ۱۳۹۰ اقدام به انتشار گزارشی از وضعیت اجتماعی ایران نمود. پیش از آن "در ایران، اولین گزارش وضعیت اجتماعی با عنوان *شاخص‌های اجتماعی شهر تهران*، درشهریور ۱۳۵۷ زیر نظر احمد اشرف در سازمان برنامه و بودجه شهر تهران تدوین و منتشر شد. پس از آن تلاش‌هایی به منظور تدوین گزارش‌های مشابه به عمل آمد اما هیچ یک از جامعیت لازم برخوردار نبود" (مدنی،۱۳۹۰: یازده). اولین هدف از تهیه این نوع گزارش چنان‌که در پیش‌گفتار کتاب مطرح شده است؛ به تصویر کشیدن مسائل اجتماعی ایران بوده است چراکه، در بحران‌ها و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، مهم‌ترین تهدید و خطر، نشناختن و بدشناختن مسائل و آسیب‌های اجتماعی و نه الزاما صرف وجود آنهاست(همان: پیش‌گفتار).

اهمیت معرفی کتاب مورد بحث در این است که از سوی یک نهاد مدنی تدوین شده و زاویه نگاهی متفاوت از گزارش‌های دولتی دارد[1] و نیز؛ برای اولین‌بار است که یک نهاد مدنی در ایران، امر گزارش‌گری وضعیت اجتماعی را چنان ضروری فرض کرده که گزارش‌گری را استمرار بخشیده است.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی zoham88@gmail.com

۱. مؤسسه رحمان به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد خیریه در زمینه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، مأموریت خود را تولید دانش برای مواجهه کارشناسانه با مسائل اجتماعی قرار داده است و در این راستا با حمایت و همکاری اجتماع علمی، آثاری تولید و منتشر کرده است که مورد توجه اجتماع علمی و مدیران اجرایی قرار گرفته است (غفاری و جوادی‌یگانه، ۱۳۹۵: ۲۶و۲۷)، برای اطلاع از آثار منتشرشده رجوع شود به تارنمای مؤسسه رحمان (www.rahman.org.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۰
مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۷۹-۲۸۸

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

معرفی ساختار کتاب

۱- اثر در دو جلد منتشر شده است که جمعا ۱۰۶۶صفحه است؛ جلد یکم ۴۹۶ صفحه و جلد دوم۵۷۰ صفحه. ۴۷ مؤلف در تولید آن مشارکت داشته‌اند. عنوان جلد یکم "همبستگی اجتماعی و نابرابری" و عنوان جلد دوم "آسیب‌های اجتماعی و نابرابری" ثبت شده و در قطع وزیری با جلد شومیز، توسط انتشارات آگاه به چاپ رسیده است.

۲- این کتاب با مدیریت علمی میرطاهر موسوی عضو هیئت علمی دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی تهران ذیل چهار بخش طراحی و تدوین شده است. جلد یکم شامل دو بخش است؛

۲-۱- بخش اول؛ " نابرابری و فقر"، با مدیریت محمدجواد زاهدی مازندرانی و ملیحه شیانی شامل۹ مقاله اصلی و جمع‌بندی تحت عنوان "چارچوبی تحلیلی برای شناخت نابرابری‌های اجتماعی در ایران" است؛

- ✓ نابرابری‌های فضایی و پی‌آمدهای آسیب‌شناختی آن در ایران؛ پرویز پیران
- ✓ درباره نابرابری قومی در ایران؛ حمیدرضا جلایی‌پور
- ✓ مطالعه اثر عوامل اقتصادی بر آسیب‌های اجتماعی؛ حسین راغفر و زهرا شکری
- ✓ نابرابری توسعه منطقه‌ای در پهنه‌های قومیتی و مناطق مرکزی کشور؛ حجت‌الله میرزایی، حسین یحیوی
- ✓ تحلیلی بر نابرابری‌های شهر و روستا در ایران و پی‌آمدهای آسیب‌شناختی آن؛ محمد رضوانی
- ✓ نابرابری در رفاه اجتماعی و پی‌آمدهای آسیب‌شناسی آن؛ محمدحسین شریف‌زادگان
- ✓ وضعیت ملی آموزش در ده سال اخیر؛ مقصود فراستخواه، محمدجواد صالحی، معصومه قارون، رضا منیعی، نسرین نورشاهی
- ✓ نابرابری اقتصادی و چالش‌های فراروی توسعه در ایران(۱۳۶۸- ۱۳۹۵)؛ فرشاد مؤمنی و حسین رجب‌پور
- ✓ گزارش وضعیت اجتماعی: نابرابری‌های قومی در ایران؛ ابراهیم حاجیانی

۲-۲- بخش دوم؛ "نابرابری، همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی"، با مدیریت محسن گودرزی شامل ۳ مقاله اصلی است؛

- ✓ روند تحول سرمایه اجتماعی در ایران از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵؛ میرطاهر موسوی و فاطمه جغتایی
- ✓ نهادهای مدنی و همبستگی اجتماعی؛ آرمان ذاکری
- ✓ جدایی‌گزینی فضایی و مداخلات کالبدی در کلان‌شهر تهران؛ آرش نصر اصفهانی

این بخش با مقاله‌ای تحت عنوان: "روندهای گسیخته‌ساز" جمع‌بندی شده است.

۲-۳- بخش سوم؛ "نابرابری و آسیب‌های اجتماعی" با مدیریت عباس عبدی شامل ۱۰ مقاله است؛

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

- ✓ تحولات جمعیتی در ایران: نابرابری‌ها و پی‌آمدها؛ محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی
- ✓ نابرابری درآمدی و تأثیر آن بر اشتغال نیروی کار؛ علی سرزعیم
- ✓ فقر بازنشستگان در ایران؛ فرشید یزدانی و علیرضا خیراللهی
- ✓ گزارش وضعیت کار کودکان در ایران؛ مروئه وامقی و فرشید یزدانی
- ✓ نابرابری جنسیتی و وضعیت زنان ایرانی؛ فاطمه جواهری و لیلا فلاحتی
- ✓ نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و جرم در جامعه ایران(۱۳۸۸-۱۳۹۶)؛ سیدحسین سراج‌زاده و احمد جعفری
- ✓ طلاق، نابرابری و تغییرات در ایران؛ عباس عبدی
- ✓ حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، بازتاب فضایی فقر و نابرابری شهری؛ اسدالله نقدی
- ✓ تخریب محیط زیست و نابرابری‌های محیط زیستی در ایران؛ عباس صالحی بابلسر و زهرا پازوکی‌نژاد
- ✓ عدالت در سلامت؛ محمدرضا واعظ مهدوی و زینب واعظ مهدوی

"تله نابرابری‌های اجتماعی" عنوان جمع‌بندی پایانی است.

۲-۴- بخش چهارم؛ "سازوکارهای تولید فقر و نابرابری در ایران" با مدیریت سعید مدنی‌قهفرخی، شامل ۶ مقاله و جمع‌بندی با عنوان "سازوکارهای تولید فقر و نابرابری در ایران" است.

- ✓ اثر سیاست‌های کلان اقتصادی و پولی بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۷۰- ۱۳۹۴)؛ اسمعیل ابونوری
- ✓ بررسی تأثیرات توسعه انسانی بر نابرابری در ایران از دهه ۱۳۷۰ تا امروز؛ میترا عظیمی
- ✓ بررسی تأثیرات عوامل اجتماعی بر نابرابری در ایران؛ رضا امیدی
- ✓ اقتصاد سیاسی نابرابری در ایران؛ پرویز صداقت
- ✓ اقتصاد غیررسمی و نابرابری در ایران؛ علی عرب‌مازار یزدی
- ✓ بررسی آثار جهانی‌شدن اقتصاد بر نابرابری در ایران (۱۳۷۰- ۱۳۹۴)؛ علی دینی ترکمانی

محتوای گزارش

کتاب با مقدمه‌ای از موسوی آغاز شده است. در مقدمه آمده است: "اراده جمعی که از خلال گفتگوی عمومی شکل می‌گیرد، مؤثرترین و کارآمدترین راه‌کاری است که برای بهبود شرایط اجتماعی و مقابله با نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی پیش روی جامعه قرار دارد" (۱۳۹۷: ۱۱). مقدمه، پیشاپیش راهکار اصلی بهبود وضعیت را گوشزد کرده و مطابق با آن سه هدف کانونی را برای این اثر برشمرده است؛ زمینه‌سازی برای شکل‌گیری گفتگوی عمومی، نقد و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و نیز دست‌یابی‌به دیدگاه‌های مشترک. در مقدمه با طرح پرسش‌ها و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

با تأکید بر نابرابری و بی‌عدالتی به عنوان رویکرد محوری، به شرح مبانی کار پرداخته شده است. پس از بدنه اصلی گزارش و درجمع‌بندی مقالاتِ هر چهار بخش، نکات اصلی چگونگی وضعیت و تحلیل‌ها و راهکارها طرح شده است که در ادامه معرفی می‌شود.

الگویی برای تحلیل نابرابری در ایران

زاهدی مازندرانی و شیانی (۱۳۹۷) اشاره کرده‌اند که نابرابری، ذاتی همه جوامع بوده است و حدی از آن را کارکردی دانسته‌اند اما به موازات آن همیشه آرمانِ برابری‌خواهی حضور داشته است. ساختار اجتماعی در کشور، بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از نابرابری‌های اجتماعی تشدیدشونده است و طبیعی است که دولت‌ها به عنوان جزئی از این ساختار نابرابری‌آفرین، نمی‌توانند به خوبی با آن برخورد کنند. ایشان ضمن معرفی مختصری از آرای صاحب‌نظران، ذیل عنوان جلوه‌های نابرابری اجتماعی در ایران، تشریح کرده‌اند که چندلایه‌ای بودن و چندخاستگاهی بودن نابرابری‌ها بر عمق و شدت آن درکشور افزوده است، و به نحو نگران‌کننده‌ای به نابرابری گستردگی بخشیده و آن را به برجسته‌ترین پدیده مشاهده‌پذیر در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی در ایران بدل کرده که بیش از هرچیز، منجر به تفرقه می‌شود. گروهی با تمام قدرت طبقاتی و ایدئولوژیک مانع از اولویت‌بخشی به الگوی تقدم آزادی بر عدالت می‌شود و در نتیجه شاهد افزایش وضعیت آسیب‌شناختی هستیم. در نتیجه، حرکت توقف‌ناپذیری به سوی بی‌سازمانی اجتماعی، فرسایش اعتماد اجتماعی و کاهش نگران‌کننده همبستگی اجتماعی وجود دارد. ایشان در فهرستی بیش از ۲۰ محور از زمینه‌ها و پی‌آمدهای مسئله‌ساز و آسیب‌شناختی نابرابری‌های اجتماعی تشدیدشونده در ایران را جمع‌بندی کرده‌اند.

در این جمع‌بندی خواننده با یک متن جامع روبروست، هرچند اگر این زاویه نگاه را در ابتدای بخش و به عنوان مدخل دریافت می‌کرد با نظم ذهنی مناسب‌تری به مقالات اصلی وارد می‌شد. از طرف دیگر مناسب بود اگر راهکارها در بخشی جداگانه جمع‌بندی و بررسی می‌شد.

زمانی که همبستگی شکل نمی‌گیرد

در جمع‌بندی بخش دوم، گودرزی (۱۳۹۷) با بیان یک مشکل به طرح مسئله کنونی ایران پرداخته است، اینکه گسیختگی اجتماعی، حیات جامعه ایران را تهدید می‌کند. رشد مسائل و مشکلات در روندی کم و بیش پرشتاب، وخیم‌تر می‌شود. فرایندی از گسیختگی روابط اجتماعی در جریان است که به اشکال مختلف چون ناپایداری و بی‌ثباتی، احساس بیگانگی و یا تضاد، خود را آشکار می‌کند. گودرزی با توصیفی از ابعاد وضعیت بیان می‌کند که شیوه‌های گذشته برای حل یا کاهش مشکلات، کارآمد و یا مؤثر نیست و تغییر بنیادین در سیاست‌ها را البته با همراهی و مشارکت طبقات و گروه‌های متعدد اجتماعی، گره‌گشا دانسته و به همین دلیل وجود همبستگی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

را ضروری می‌داند. او به نشانه‌های فردی و اجتماعی همبستگی و فقدان آن، یعنی ازهم‌گسیختگی اشاره می‌کند و ضمن یک مدل‌سازی از عوامل عینی و نگرشی گسیخته‌ساز صحبت می‌کند که از طرفی با احساس زوال اجتماعی به عنوان بُعد نگرشیِ این مسئله همراه است. به‌زعم نویسنده رشته‌های مختلفی فرد را به جامعه پیوند می‌دهد، نظم مبتنی بر اخلاق و عدالت، از مؤثرترین این عوامل است. اما از دید مردم، جامعه ایران در مسیر تهی‌شدن از ارزش‌های اخلاقی و دورشدن از عدالت و گسترش تبعیض پیش می‌رود و این به افزایش نارضایتی از شرایط جامعه منجر می‌شود و این وضع زمینه‌ساز یأس و ناامیدی است. در ادامه، وی با توضیح سطوح متفاوت گسیختگی در سطح خانواده، نهادهای مدنی و فعالیت‌های داوطلبانه و نیز سطح شهروندی و ارتباط آن با مقالات این بخش، بحث خود را به پایان می‌برد. تفاوت جمع‌بندی بخش قبل با این جمع‌بندی در این است که اولی مبتنی برتئوری‌های موجود جامعه‌شناختی و دومی مبتنی بر تحلیل و مدل‌سازی خود مؤلف است.

ایران در تله

بخش سوم توسط عبدی (۱۳۹۷) جمع‌بندی شده است. به‌زعم وی هدف از مجموعه مقالات این بخش نشان دادن تأثیر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بر آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی است. وضعیت آسیب‌ها و ارتباط‌شان با نابرابری‌های اجتماعی همچون چرخه‌ای است که هرکدام باعث ایجاد و تشدیدکننده دیگری است و به صورت تله عمل می‌کنند. همچنین در همه سطوح منجر به رشد تضادهای اجتماعی و کاهش همبستگی و انسجام و در نهایت ناپایداری جامعه خواهند بود. او یادآوری کرده است که نابرابری را نمی‌توان از بین برد و حدی از آن هم لازم است اما زمانی که نمودار توزیع متغیرها به صورت نابرابر و دو قطبی باشد فرآیند ناپایداری آغاز شده است. در ادامه با اشاره به مقالات این بخش، نتیجه گرفته است که بخش قابل توجهی از متغیرهای اجتماعی به سوی نابرابری بیش‌تر پیش می‌روند و ادامه این وضع تطابقی با ثبات جامعه ندارد. عبدی ضرورت تغییر در سیاست‌های کلان توسعه‌ای و جهت‌گیری آن‌ها به سوی برابری بیش‌تر در همه ابعاد را لازم می‌داند. او محوری‌ترین راه حل در مقالات این بخش را ایجاد اشتغال دانسته است و بیان کرده لازمه تحولات مناسب، تعیین شاخص‌هایی برای طراحی یک دماسنج اجتماعی و سنجش سالانه سیاست‌ها و تحولات است که در اختیار همگان باشد. به‌نظر می‌رسد بیان این ایده از جمله راهکارهایی است که تا حدی عملیاتی و کاربردی بوده و از کلی‌گویی فاصله دارد.

چگونگی اصلاح سازوکارهای تولید نابرابری

در آخرین بخش، مدنی (۱۳۹۷) با نگاهی تاریخی، تحولات نظری مبتنی بر فقر و نابرابری را به اجمال بیان کرده و چنین اظهارکرده است که برای دستیابی به فهم جامع فقر و نابرابری به مثابه

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

یک مشکل، نیازمند ادغام علوم اجتماعی هستیم. در قسمت نظریِ جمع‌بندی خود، با تکیه بر آرای بِلنک (blank)، شش رویکرد نظری مهم برای توضیح سازوکارهای فقر را شرح داده است؛ اول: رشد پایین و توسعه‌نیافتگی، دوم: فقدان و ضعف توسعه انسانی، سوم: جهانی‌شدن سرمایه و کژکارکردی بازار، چهارم: نابرابری ساختاری در دسترسی به قدرت و ثروت، پنجم: سیاست‌های رفاهی و دولت رفاه و ششم: فرهنگ فقر. مدنی ذیل توضیحاتی از هر رویکرد نظری به بیان لُبّ مطالب مقالات اصلی این بخش پرداخته است البته اشاره کرده که رویکرد پنجم و ششم در این گزارش مورد استفاده قرار نگرفته است. ایشان در نتیجه‌گیری پایانی خود به مهمترین پیشنهادات برای اصلاح سازوکارهای موجود برای کنترل و کاهش نابرابری و فقر اشاره کرده است. رفع انواع تبعیض، اصلاح ساختاری نهادها، بهبود فضای کسب و کار، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، توقف و تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی گذشته و تدوین برنامه‌های مبارزه با فقر از جمله این پیشنهادات است.

ویژگی مثبت این جمع‌بندی‌ها باوجود ساختار متفاوت شان این است که هر کدام، خود، در حد مقالات اصلی کتاب، حاوی نکات و تحلیل‌های ارزشمند و درخور اعتنا هستند.

نقد و نظر

نابرابری اجتماعی؛ رویکرد تحلیلی مناسب

در نظر گرفتن یک "مفهوم" به عنوان رویکرد نظری و یک طرز نگرش و یا ایجاد یک زاویه نگاه مشخص برای تحلیل وضعیت اجتماعی کنونی، همچون نخ تسبیحی است که پیونددهنده مفهومی و تحلیلی همه مقالات در گزارش است. گزارش اول مؤسسه رحمان، رویکرد توسعه‌گرایانه (مدنی، ۱۳۹۰: سیزده) داشت. گزارش وزارت کشور، رویکرد نظم‌گرایانه داشت (غفاری و جوادی‌یگانه، ۱۳۹۵: ۳۱) که با صبغه دولتی کار همخوانی داشته است، با توجه به فضای اجتماعی– اقتصادی حاضر، داشتن مفهوم مرکزی" بی‌عدالتی و نابرابری" از نقاط قوت دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران محسوب می‌شود. در مقدمه آمده است؛ "در شرایط نابرابر، گروه‌هایی از جامعه صدایی بلندتر و دسترسی گسترده‌تر دارند و به همین دلیل می‌توانند منابع بیشتری را جذب کنند. حال آنکه گروه‌هایی که صدای ضعیف‌تری دارند، کمتر امکانی برای رساندن صدای خود دارند. از این رو، چنین گروه‌هایی معمولا برای اثرگذاری در زمینه سیاست کلان نقش ناچیزی دارند که خود، موقعیت نابرابر آنها را تشدید می‌کند. از طرفی مطالعات نشان داده که نابرابری اجتماعی، امتیازات اقشار فرادست را بیشتر می‌کند و کمبودهای گروه فرودست را افزایش می‌دهد. بازتولید نابرابری و بازتولید آسیب‌ها به نوعی با یکدیگر رابطه متقابل دارند و مبارزه با یکی بدون مبارزه با دیگری منتج به تحول چشم‌گیر نمی‌شود. مهم، مطالعه فرآیندها و سازوکارهای اثرگذاری

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

است. بین بستر ساختاری نابرابری و نتایج آن در حوزه‌های مختلف، مشکلات اجتماعی و آسیب‌ها، متغیرهای واسطه‌ای قرار دارند که آثار نابرابری را تعدیل یا تشدید می‌کنند. انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی وچارچوب‌های تفسیری یا ایدئولوژی‌ها از مهمترین این متغیرهای میانگیر محسوب می‌شوند. برای همین در بررسی استمرار نابرابری و بازتولید نسلی آن، فرآیندهای تأثیر نابرابری بر سست‌شدن پیوندهای اجتماعی و افت سرمایه اجتماعی، فرایندهای به حاشیه‌راندن اقشار کم‌درآمد و کاسته‌شدن از صدای آنان در فرآیندهای سیاست‌گذاری، و رشد انحرافات و آسیب‌های اجتماعی باید مورد مطالعه قرار گیرد" (موسوی، ۱۳۹۷: ۱۳ و ۱۵). همان‌طور که در مقدمه کتاب آمده؛ سیاست‌گذاری این اثر در سال ۱۳۹۵ آغاز شده است. دو سال بعد، در زمان چاپ اثر، به نظر می‌رسد پیش‌بینی‌ها در مورد ناخوش‌احوالی جامعه در حال تحقق است. با توجه به نابسامانی‌های اواخر سال ۹۶ و همچنین فراز و فرودهای وضعیت اقتصادی و اجتماعی سال ۹۷، آنچه که در مقدمه آمده، شناخت جامع و پیش‌بینی صحیح مؤلفین از شرایط، و نیز اراده آنها برای یافتن سازوکار اصلاح شرایط را می‌رساند، پیش از اینکه این فراز و فرودها در جامعه و توسط عموم لمس شود. داشتن این مفهوم مرکزی با پیوستگی مفهومی که در بین مقالات ایجاد کرده است نسبت به گزارش اول گامی به پیش نهاده است.

هرچند در مقدمه کتاب تلاش برای اتخاذ یک رویکرد ترکیبی و توجه به هر سه سطح خُرد، میانه و کلان، طرح شده اما در مقام عمل و با رجوع به محتوای مقالات و نتایج آنها، بیشتر تأکید بر وضعیت کلان و شرایط ساختاری جامعه را شاهد هستیم و تحلیل‌های سطح خُرد کمتر به چشم می‌آیند. درعین‌حال تدوین این گزارش در یک سازمان مردم‌نهاد، شرایط مساعدتری را برای ارائه تحلیل‌های بی‌طرفانه در مقالات فراهم نموده است. "نهادهای عرصه عمومی (به علت آنکه در موقعیت اتخاذ تصمیم‌های فوری نیستند و هم به سبب موقعیت غیردولتی) می‌توانند از چشم‌اندازی متفاوت به آسیب‌های اجتماعی بنگرند و آن را در افق بلند مدت و دورتر جامعه و بی‌طرفانه ارزیابی کنند. چشم‌اندازی که برای سازمان‌های دولتی و کنشگران غیردولتی و در یک کلام جامعه سودمند خواهد بود"(موسوی، ۱۳۹۷: ۱۳). این نکته می‌تواند اصلی‌ترین نقطه قوت اثر محسوب شود.

چگونگی پاسخ به پرسش‌ها

در مقدمه کتاب بیان شده که گزارش تلاش دارد به هفت پرسش کلی بپردازد:

- ✓ وضعیت ایران از حیث تولید و انباشت و تصویر نابرابری‌ها چگونه است؟
- ✓ مسائل و آسیب‌های اجتماعی تولد شده در سپهر نابرابری‌های موجود چگونه است؟
- ✓ این مسائل چگونه به سیاست‌های کلی توسعه و تغییرات اجتماعی مربوط می‌شود؟

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

- ✓ کدام‌یک از بخش‌های جامعه در معرض تهدید بیش‌تری قرار دارند؟
- ✓ چگونه موقعیت فرودستی و آسیب‌پذیری گروه‌های مختلف اجتماعی بازتولید می‌شود؟ سازوکار این بازتولید چیست؟
- ✓ دروضع موجود جامعه ایران در کنار آسیب‌ها و تهدیدات، فرصت‌ها و قابلیت‌هاکدام‌اند؟
- ✓ توصیه‌ها و تجویزهای حاصله از تدوین گزارش وضعیت چیست؟

بر اساس آنچه در ۵ پرسش اول طرح شده و نیز با مروری بر محتوای مقالات به نظر می‌رسد تصویر وضعیت اجتماعی ایران با تأکید بر نابرابری‌ها و آسیب‌های ناشی از آن و نیز سیاست‌هایی که به این وضعیت منتهی شده و همچنین نحوه بازتولید آن و شرایط تهدیدکننده، به طور مفصل و از جوانب مختلف و با تکیه بر تنوع موضوعات، از سوی مؤلفین به خوبی طرح شده است.

به‌نظر می‌رسد علی‌رغم تأکید پرسش ششم بر دیدن فرصت‌ها و قابلیت‌ها در کنار آسیب‌ها، مؤلفین کمتر به بیان شفاف فرصت‌ها پرداخته‌اند. درباره سؤال هفتم، هرچند راهکارهایی توسط مؤلفین ارائه شده ولی روی این توصیه‌ها به طور غالب، با مدیران و سیاست‌گذاران دولتی است و به بیان راهکارهای کلان و کلی ختم شده و برای جامعه مدنی و مردم و نخبگان، راهکار مناسب ارائه نشده است، و از آنجا که بخشی از وضعیت ناخوشِ کنونی منتج از سیاست‌گذاری‌های پیشین بوده است، بسیار ضروری و مناسب می‌بود که مدیران بخش‌ها و مدیر طرح با تسلطی که بر محتوای علمی اثر داشته‌اند و با توجه به اهداف کانونی، بسته‌هایی کاربردی‌تر و گام‌به‌گام را با در نظر گرفتن سطوح مختلف مخاطب ارائه می‌دادند و با علم به اینکه ارائه راهکارها به عنوان یک مزیت کار تلقی می‌شود، مطلوب بود اگر بحث را به ارائه راهکار کلی ختم نمی‌کردند.

در این گزارش نسبت به گزارش اول، سعی شده مقالات با قالب‌های مشابه‌تری تدوین شوند. در محتوای برخی مقالات اما غلبه با تحلیل نویسنده، در بعضی بحث‌های نظری و تئوری‌ها غالب است و در دسته‌ای غلبه بر ذکر مصادیق، نمونه‌ها و شواهد است. اگر خواننده شاهد تفصیل تئوری‌های مبنایی هر مقاله نباشد می‌تواند بهتر با متن ارتباط بگیرد. انتظار از یک گزارش جامع با مقاله علمی متفاوت است و الزامی نیست که مانند مقالات متعارف و برگرفته از کارهای پژوهشی، بنیان‌های نظری کار به تشریح ذکر شود.

ویژگی این اثر نسبت به دیگر گزارش‌ها و گزارش وزارت کشور، تأکید بر نقد و تحلیل مسئله به جای توصیف صرف است و تحلیل‌ها هم مبتنی بر همان رویکرد محوریِ پیش‌گفته است. این نوع از گزارش‌گری با توجه به کوششی که برای ارائه راهکار شده، امکان اتصال به جنبه‌های کاربردی‌تر را نیز تا حد مختصری فراهم کرده هرچند با گزارش‌های منسجم جهانی و شکل ایده‌آل گزارش‌گری وضعیت اجتماعی فاصله دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

بازه زمانی کار، از ۸۸ تا ۹۶ مشخص شده که درست از پایان دوره زمانی گزارش اول تا زمان انتشار کتاب است. این استمرار، دید بهتری را در مخاطب ایجاد می‌کند. البته مقالات این کتاب عموما دوره گسترده‌تری، مثلا یک دهه یا بیشتر را تحت پوشش قرار داده‌اند. مقالات عمدتا مبتنی بر داده‌های آماری علمی و قابل استناد است. مقالات همه موضوعات اجتماعی را پوشش نمی‌دهند ولی از تنوع خوبی برخوردارند. برخی مقالات نیز از لحاظ موضوعی همپوشانی دارند. با توجه به محتوای مقالات جلد اول به خصوص بخش دوم آن، به نظر می‌رسد برای ربط این محتوا به نابرابری، کاربرد مفهوم "از هم گسیختگی" مناسب‌تر از همبستگی باشد. در مقالات، عموما به اسناد بالادستی و سیاست‌های گذشته نگاه داشته و سعی در نقد و ارزیابی آن سیاست‌ها و یا نتایج آنها داشته‌اند.

همکاری مدیر علمی اولین گزارش وضعیت، "سعید مدنی" و نیز گزارش وضعیت اجتماعی زنان، "فاطمه جواهری" در این طرح و حضورشان در کمیته علمی قوت کار محسوب می‌شود. از آنجا که فعالیت‌های جمعی در ایران دچار ضعف است، کارِ گروهی شکل‌گرفته بین مدیر علمی و مدیران کارگروه‌ها از ویژگی‌های مطلوب کار است. از نقاط برجسته و ابتکاری این کار، مقالات جمع‌بندی بود که مدیران ۴ کارگروه، تألیف آن را بر عهده داشته‌اند. هرچند بهتر بود مقالات جمع‌بندی تحت عنوان مدخل در ابتدای هر بخش قرار داده می‌شد تا ذهن مخاطب را برای ورود بهتر به مباحث نظم دهد. به لحاظ فرم نیز به نظر می‌رسد کاری که به عنوان جمع‌بندی نهایی در گزارش وضعیت اجتماعی زنان انجام شده از این ۴ متن که نهایتا در هم آمیخته نشده و انسجام نهایی در آنها رخ نداده، مطلوب‌تر باشد. مخاطب در انتظار یک گزارش منسجم است. چیزی که هم شهروندان، هم نهاد مدنی و هم سیاست‌گذار از آن بتواند بهره بگیرد. فقدان این گزارش نهایی که به شکل موجز و مختصر و منسجم، شَمایی از وضعیت موجود را انتقال داده و به جمع‌بندی عملیاتی‌تری برسد، نقطه ضعف اصلی اثر است.

در پایان پیشنهاد می‌شود؛

- ✓ ارزیابی و نقدهای علمی و اساسیِ روشی، محتوایی، ساختاری و سازمانی در مورد اثر شکل بگیرد که می‌تواند به صورت یک پروژه یا در نشست‌های متعدد برگزار شود.
- ✓ شاخص‌های وضعیت اجتماعی به نحوی دقیق و روشن طراحی شوند که قابلیت سنجش دوباره را در گزارش‌های بعدی داشته باشند و تلاش شود این استمرار در امر گزارش‌گری تشویق شده و تداوم یابد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

- ✓ همانطور که در مقدمه آمده است که آگاه سازی شهروندان و نهادهای مردمی برای حل مشکلات یکی از کارکردهای این گزارش به شمار می‌رود، بسیار مناسب است فعالیت‌های مناسبی برای ورود این محتوا و این زاویه دید به عرصه عمومی انجام شود.
- ✓ پیشنهاد می‌شود که مقاله‌ای مختصر و منسجم و تلفیقی به شکل عصاره‌ای از محتوای دومین گزارش، با توضیح رویکرد و زاویه نگاه موجود در کتاب و همچنین ارائه تحلیل کلی از وضعیت‌های پیش‌گفته برای جبران این نقیصه و بر اساس در نظر گرفتن طیفی از مخاطبین، تألیف گردد. پیشنهاد می‌شود این محتوا به دور از تکلف علمی و تئوری‌پردازی‌ها و با متنی ساده و روان باشد.
- ✓ جمع‌هایی به منظور هم‌اندیشی متشکل از صاحب‌نظران، نهادهای مدنی و فعالان عرصه سیاست‌گذاری گردهم آیند و سعی شود مبتنی بر نتایج گزارش، بسته‌های کاربردی‌تری برای ایجاد گفتگوی عمومی و شکل‌گیری اراده جمعی و اقدام عملی برای بهبودی وضعیت اجتماعی فراهم آید.

منابع

زاهدی مازندرانی و شیانی (۱۳۹۷)، *چارچوبی تحلیلی برای شناخت نابرابری‌های اجتماعی در ایران*، در موسوی، میرطاهر، دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۶، تهران: آگاه.

عبدی، عباس (۱۳۹۷)، *تله نابرابری‌های اجتماعی*، در موسوی، میرطاهر، دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۶، تهران: آگاه.

غفاری غلامرضا و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۹۵)، *مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*، تهران: وزارت کشور، امور اجتماعی و فرهنگی.

گودرزی، محسن (۱۳۹۷)، *روندهای گسیخته‌ساز*، در موسوی، میرطاهر، دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۶، تهران: آگاه.

مدنی، سعید (۱۳۹۰)، گزارش وضعیت اجتماعی ایران۱۳۸۸-۱۳۸۰، بولتن داخلی مؤسسه رحمان.

مدنی، سعید (۱۳۹۷) *سازوکارهای تولید فقرو نابرابری در ایران*، در موسوی، میرطاهر، دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۶، تهران: آگاه.

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۷) *دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۶*، تهران: آگاه.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1397.9.2.13.0]